

## آیا کار آفرینی شغل جدیدی است؟

دکتر محمود احمدپور داریانی

مقدمه

به نظر می‌رسد طی دو سه سال اخیر در کشورمان توجه خاصی به مفهوم کار آفرینی شده است. عده‌ای نگران آن هستند که این مفهوم با ارزش توسعه اقتصادی و به قول «شومپیتر» - پدر علم کار آفرینی - «موتور توسعه اقتصادی»، همانند سایر مفاهیم بهره‌وری، مدیریتی، مشارکتی و... در لابلای سایر مسایل جامعه گم شود و در حد شعار باقی بماند و وارد صحنه‌های کسب و کار و سازمان‌ها شود. در کشورهای توسعه یافته این مفهوم در سطوح اقتصادی جوامع و در میان مردم به خوبی جا افتاده و پذیرفته شده است به طوری که آرزوی هر جوان و فرد جستجوگر، یافتن فرصت تبدیل رویاهای خویش به کسب و کار، تولید و ارائه محصول و خدمات و در نهایت تبدیل شدن به یک قهرمان کسب و کار در صحنه اجتماعی است. در کشور ما این مفهوم بایستی ابتدا در سطح نخبگان علمی دانشگاه و در صنایع و سایر بخش‌ها ترویج گردد و سپس طی یک حرکت حساب شده در قالب یک استراتژی جامع، نسبت به عمق بخشیدن به سیاست‌های ترویجی، آموزشی و پژوهشی در سطح دانشگاه‌ها و مراکز صنعتی اقدام شود. در سطح جامعه نیز باید قهرمانان شایسته کسب و کار که همواره پیشتازان و نوآوران خدمات در کشورند را به جامعه معرفی کنیم. نتیجه این معرفی این است که جوانان و نوجوانان شایسته این مرز و بوم با الگوبرداری از این قهرمانان و با درک و شناسایی واقعی استعدادهایشان، راه تحقق رویای آینده خود را هموار کنند و آینده‌ای هر چه بهتر و شکوفاتر را برای تحقق سیاست‌های استقلالی، رفاه و عدالت اجتماعی در کشورهای توسعه یافته، بسازند.

نگارنده بعد از تالیف کتاب کار آفرینی و ارائه بیش از ۶۰ کارگاه آموزشی - ترویجی کار آفرینی در سطح مسئولان سازمان‌ها، مدیران، دانشجویان، استادان محترم و مسئولان دانشگاهی، به این نتیجه رسیده است که این طور به نظر می‌آید که در سطح عمومی (و به‌ویژه در میان محققان) اولاً تعریف صحیحی از واژه کار آفرین وجود ندارد، ثانیاً از این واژه برداشت‌های متفاوتی می‌شود و ثالثاً کار آفرینی هنوز به عنوان یک شغل جدید در سبد مشاغل موجود تلقی نمی‌شود. هدف از نگارش این مقاله پاسخ به این شبهات و سوالات است.

### تعاریف کار آفرینی

کار آفرین فردی است که دارای ایده‌ای نو و جدید است و از طریق فرآیند تاسیس و ایجاد کسب و کار (شرکت) و قبول مخاطره، محصول یا خدمات جدیدی را به جامعه معرفی می‌کند.

در این تعریف چند نکته وجود دارد:

- کار آفرین اهل فکر جدید و فردی نوگراست (ایده

جدید)

- کار آفرین در فرآیند ایجاد یک کسب و کار،

یعنی از مرحله مطالعه بازار، تهیه طرح کسب و کار، توجیه اقتصادی، بسیج منابع، احداث کارخانه و بهره‌برداری از آن شخصاً درگیر بوده و اقدامات عملی را بر عهده می‌گیرد و همه مخاطرات را قبول می‌کند.

نتیجه فعالیت و زحمات وی حتماً بایستی به محصول و خدمات جدیدی منجر گردد.

«جفری تیمونز» کار آفرین را ایجاد کننده چیزی ارزشمند از هیچ می‌داند.

این مفهوم که در فرانسه نام نهاده شده و در زبان انگلیسی به معنای متعهد شدن آمده است، در ادبیات فارسی ابتدا به معنای کارفرما

و سپس کار آفرین ترجمه شده که ترجمه خوبی از این واژه نیست. به نظر می‌رسد بهتر بود این واژه «ارزش آفرین» ترجمه می‌شد؛

گرچه ارزش در ادبیات اقتصادی و توسعه غرب، معنایی متفاوت از آن چه را که ما در ادبیات دینی و اخلاقی خود داریم به ذهن انسان

متبادر می‌کند.

انسانی که دارای قدرت درک و پیدا کردن خلاها و فرصتهاست و از طریق پرورش ایده و تبدیل فکر خود به یک محصول و خدمات جدید، در جامعه اقدام به ارزش آفرینی از هیچ می‌کند، کارآفرین نامیده می‌شود.

برداشت‌های متفاوت از این مفهوم

شاید مهم‌ترین و پراشتباه‌ترین تعریف و برداشت رایج از کارآفرینی همانا ایجاد شغل باشد که امروزه در از سخنان مسئولان، سیاست‌گذاران و تخصیص‌دهندگان منابع نیز در سطح کشور بسیار به آن اشاره می‌شود. گرچه این بزرگواران از طرح این مساله به بیراهه نرفته و اشاره نسبتاً درستی دارند، اما باید اذعان داشت که فضای موجود کشور و مساله بیکاری و نیاز به ایجاد اشتغال از جمله عوامل مثبت طرح این واژه در سطح جامعه است. به طوری که موسسه مالی کارآفرینان، مجله کارآفرینان، معاونت تشویق سرمایه‌گذاران و کارآفرینان بانک صنعت و معدن تشکیل گردیده و این واژه در وزارت کار و امور اجتماعی و برنامه‌های دوم و سوم توسعه نیز به کار گرفته شده است. اما آن چه که امیدوارکننده و در خور توجه است این است که کارآفرینی برای سیاست‌گذاران و مسئولان توسعه پایدار هر جامعه دو پیام بسیار مهم را در بر دارد:

- نتیجه سیاست‌های ترویج و تسهیل کارآفرینی ایجاد اشتغال است.

- با کارآفرینی، رفاه نیز تحقق می‌یابد (توسعه عدالت)

بنابراین نباید به مطرح شدن کارآفرینی حتی به معنای ایجاد اشتغال در جامعه، خرده گرفت، بلکه باید آن را به فال نیک بگیریم چرا که با اجرای دقیق مفاهیم کارآفرینی و شناسایی و تقویت کارآفرینان و برداشتن موانع از پیش روی آنها به این امر مهم و بسیار استراتژیک، یعنی ایجاد اشتغال نیز دست خواهیم یافت.

برای این منظور بد نیست به مطالعه آثار در دهه ۱۹۷۰ در آمریکا اشاره گردد. ابتدا تصور سیاست‌گذاران وقت این بود که ایجاد اشتغال اکثراً در سطح شرکت‌های بزرگ صورت می‌گیرد، اما بعد از انتشار این مطالعه روشن گردید که ۹۰-۸۰ درصد ایجاد شغل جدید در جامعه، در سطح صنایع کوچک و متوسط، از طریق کارآفرینی در محصول و خدمات جدید توسط کارآفرینان انجام می‌گیرد. در واقع از این تاریخ به بعد که دولتمردان، سیاست‌گذاران، بانک‌ها، صنایع و دانشگاه‌ها طی یک بسیج عمومی و طرح جامع توسعه کارآفرینی به فکر ترویج، آموزش و پژوهش این مفهوم در جامعه افتادند، به طوری که در آمریکا امروزه بیش از ۶۰۰ دانشکده در مقاطع لیسانس، فوق لیسانس و دکترا مشغول تدریس کارآفرینی به علاقه‌مندان این رشته هستند؛ به‌ویژه جوانانی که در پی آرزوی ایجاد کسب و کار برای خود هستند و دوست دارند خود رئیس خود باشند و به استخدام شرکتی درنیایند. اما متأسفانه در ایران فعلاً به استثنای یک فارغ التحصیل در سطح دکترا و چندین نفر در سطح فوق لیسانس بیشتر با این مقدمه آشنا نیستند که انشاء... با توجه جدیدی که در وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری و سازمان مدیریت و برنامه ریزی از اواخر سال ۷۹ انجام شده است، امیدهای تازه‌ای که در جهت شروع و ترویج این مقدمه در سطح دانشگاه‌ها پدیدار شده محقق گردد.

کارآفرینی یک شغل است

در جوامع مختلف برداشت‌های گوناگونی از مفهوم کارآفرینی وجود دارد. از این رو از آن جایی که این مفهوم در ایران جدید است، بعد از مقدمات و برداشت‌های گوناگون، این مقاله در پی آن است که این نکته مهم را به خوانندگان عزیز یادآوری کند که چنانچه در سطح جامعه از مردم سوال شود چه نوع مشاغلی را می‌شناسند و یا از جوانان سوال شود در آینده دوست دارید چه مشاغلی داشته باشید، از مشاغلی نظیر مهندس، پزشک، خلبان، ورزشکار، هنرپیشه و غیره نام می‌برند اما از «کارآفرین شدن» خبری نیست. در واقع اولاً در سطح جامعه ایرانی، مردم هنوز با این مفهوم آشنایی لازم را ندارند، ثانیاً مفهوم کارآفرینی با مفاهیم دیگری از قبیل سرمایه‌گذار، سرمایه‌دار، کارخانه‌دار، پولدار، بازرگان، مدیر و غیره تداخل دارد. درواقع جامعه فعلی ما از مشاغل موجود کاملاً آگاهی داشته و نسبت به آنها شناخت کافی را دارد.

واضح است که مشاغل فوق‌الاولاً همه در سطح جامعه مورد نیاز اند و تفاوت‌ها ناشی از سطح دانش و مهارت‌ها و تلاش‌هایی است که افراد مختلف در طول زندگی خود کسب می‌کنند و هر کدام از ارزش‌های والای خود در جامعه برخوردارند. اما بعد از انقلاب اسلامی در جامعه ما از واژه سرمایه‌گذار به خوبی یاد نمی‌شود. در واقع سرمایه‌گذار فردی است که به لحاظ دارا بودن منابع همواره مایل است با مشارکت از طریق پول یا منابع خود، ارزش افزوده یا ارزش زمانی پول خود را حفظ یا بیشتر کند.

گرچه این واژه با واژه سرمایه‌دار مشابهت و تداخل دارد اما تعیین شغلی به نام سرمایه‌گذار به معنی استفاده از منابع فرد در جهت توسعه کسب و کار است. (یکی از موانع بسیار مهم در توسعه اقتصادی کشور همانا تعیین جایگاه و منزلت سرمایه‌گذار در کشور است که باید بالاخره روزی معین گردد که آیا همه سرمایه‌داران باید مورد نکوهش قرار بگیرند و یا در واقع آیا داشتن سرمایه عیب است. سرمایه‌دار بودن ارزش است اما به شرط این که سرمایه از طریق مشروع و قانونی به دست آمده باشد). بنابراین سرمایه‌گذار بودن باید به عنوان یک شغل در کشورمان پذیرفته شده و مورد احترام قرار گیرد.

یکی از نکات بسیار مهم در توسعه پایدار هر جامعه این است که اولاً باید روشن گردد کار، مورد احترام جامعه است یا خیر، ثانیاً توجه به این نکته حائز اهمیت است که وجود مشاغل مختلف در سطح جامعه ضروری است. ضمناً از هر یک از مشاغل، با توجه به کارکردهای گوناگون هر کدام، به میزان مختلفی نیاز است و چنانچه جامعه‌ای مانند جامعه ایران بر اثر پندارها و برداشتهای مختلف بعضی از مشاغل را از بین ببرد و یا مفهوم غلطی از آن در جامعه ایجاد کند و یا ارزش حقیقی برخی از مشاغل را دارند از بین ببرد، جامعه دچار گرفتاری‌های عظیمی می‌گردد. بعضی موانع در شرایط فعلی به قرار زیر است:

۱- کارگر کار نکند و حقوق بگیرد و از کارگر متعهد تمییز داده نشود و کارفرما هم حق اخراج او را نداشته باشد.

۲- سرمایه‌گذار واقعی که در چارچوب ارزش‌ها و قوانین فعالیت می‌کند با سرمایه‌گذار رانت‌خوار، غیرقانونی و فرصت طلب متفاوت نباشد.

۳- توانایی و نقش مدیر در سطح یک سازمان و شرکت با عناصر سازمان یکسان تلقی گردد.

۴- توانایی در نقش متخصص در ارایه راه‌کارها در سطح جامعه مورد توجه قرار نگیرد.

۵- آموزش تشویقی بیش از حد برای بعضی مشاغل قایل شود. مثلاً این که همه دختران جوان دوست داشته باشند که هنرپیشه شوند (چرا که زود معروف می‌شوند) یا پسران جوان دوست داشته باشند که ورزشکار شوند (چرا که زود پولدار می‌شوند).

بنابراین، در شرایط فعلی، مشاغل نه تنها ارزش و موقعیت خود را از دست داده‌اند، بلکه مفاهیمی از قبیل مورد احترام بودن کسب و کار، ارزش بودن سرمایه و مورد احترام بودن سرمایه‌دار نیز مخدوش شده است که باید در فرصت‌های دیگری به آن پرداخت. علاوه بر موانع فوق‌مفاهیمی از قبیل کارآفرین، سرمایه‌گذار پرمخاطره و موسس در ادبیات روزمره و فرهنگ عامیانه و حتی فرهنگ نخبگان کشور، جایگاه لازم را ندارند. به معنای دیگر چنانچه از مردم سوال شود آیا مایل هستید کارآفرین شوید؟ یا از جوان سوال شود برای آینده چه آرزویی در سر دارید؟ گفتن این که «دوست دارم کارآفرین شوم» به نظر گنگ است و مورد توجه قرار نمی‌گیرد. به عبارت دیگر در سبب مشاغل موجود و در ذهنیت جامعه، کارآفرین یا سرمایه‌گذار پرمخاطره یعنی فردی که فقط علاقه دارد منابع خود را در فعالیت‌های پر مخاطره (ریسک معتدل) قرار دهد، وجود ندارد. از اهداف این مقاله این است که دولتمردان و مسئولان محترم توجه

کنند در شرایط فعلی، در گذر از یک جامعه صنعتی به سمت جامعه اطلاعاتی که اصالت‌های تبدیل ماده و انرژی به دانش و دانایی تغییر می‌یابد و جامعه به جای توجه به بازوی نیروی انسانی، به مغز نیروی انسانی توجه می‌کند و همه چیز در حال تغییر است و مرتباً جوامع از سطح کلان جامعه گرفته تا سازمان و کار و نیروی انسانی دچار تغییرات مداوم مرتبط با محیط بین‌المللی می‌گردند، ضرورت دارد تا مردم شریف ما نیز با مفاهیم جدید کار و شغل‌های جدید مرتبط با آنها آشنا شده و نقش آنها را در توسعه جامعه پذیرا بوده و به عنوان رویکردهای جدید و زمینه‌ها و فرصت‌های جدید کسب و کار در آن زمینه‌ها نیز مشغول گردند. گرچه این واژه با واژه سرمایه‌دار

مشابهت و تداخل نیز دارد اما تعیین شغلی به نام سرمایه‌گذار به معنی استفاده از منابع فرد در جهت توسعه کسب و کار است. (یکی از موانع بسیار مهم در توسعه اقتصادی کشور همانا تعیین جایگاه و منزلت سرمایه‌گذار در کشور است که باید بالاخره روزی معین گردد که آیا همه سرمایه‌گذاران باید مورد نکوهش قرار بگیرند یا در واقع آیا داشتن سرمایه عیب است. سرمایه‌دار بودن ارزش است اما به

شرط این که سرمایه‌ها از طریق مشروع و قانونی به دست آمده باشد). بنابراین سرمایه‌گذار بودن باید به عنوان یک شغل در کشورمان پذیرفته شده و مورد احترام قرار گیرد.

تمامی تلاشمان بر القای این باور است که اولاً کارآفرین و کارآفرینی یک شغل انسانی با ویژگی‌های ذکر شده در جامعه است که می‌تواند انواعی نظیر کارآفرینی، مقلد کارآفرین، فرصت‌گرا و مبتکر را در بر بگیرد و این کارآفرینان در واقع لکوموتیوهای فعال جامعه هستند که با هدایت واگن‌ها به دنبال خود در هر واگن موضوع اشتغال، به کارگیری منابع، به کارگیری سرمایه، انتقال تکنولوژی را هدایت کرده و در نتیجه قطار توسعه را به حرکت در می‌آورند (وجود این افراد در هر جامعه باعث حرکت و رشد جوامع و انسان‌ها از دوران غارنشینی تا کنون بوده است).

عامل تغییر (Change Agent) و عامل موج‌دار ارزش افزوده در جوامع و تاریخ‌های مختلف چه بوده است؟ این همان کارآفرین است که نقش اصلی را در تحول سازمان‌ها در تحرک جوامع و در ایجاد کسب و کار و ارزش افزوده ایفا می‌کند. وجود کارآفرینان بالقوه و پرتوان در جوامع، محرک اصلی حرکت به سمت توسعه‌یافتگی به حساب می‌آید و اچنانچه دغدغه‌های ما در جامعه، توفیق کشورمان در رفع نواقص و عقب افتادگی‌ها و دستیابی به موفقیت در سطح جهانی باشد، توجه به پرورش، تقویت، حمایت و احیای کارآفرینان ابزار و نیرومندی در جهت این تلاش‌ها خواهد بود.